

فواید تشکیل تعاونیهای تولیدی زنان روستایی

تعاونیهای زنان در جنوب شرقی آسیا، به استثنای ژاپن فعالیت چشمگیری ندارد. در کشور ژاپن نیز، زنان واجد سهمی اساسی در عضویت تعاونیهای کشاورزی نیستند. اگر چه بیشترین کار در روستاها بوسیله زنان انجام می‌گیرد، لکن تعداد زنان عضو تعاونی کشاورزی مجمع زنان (که در کنار و مستقل از تعاونیهای کشاورزی کار می‌کنند) ۲/۶۵ میلیون نفر در ۳۸۰۹ انجمن می‌باشد در حالی که تعداد مردانی که عضو تعاونیهای کشاورزی هستند ۵/۷۲ میلیون در ۴۶۰۰ تعاونی است. هند:

هند بزرگترین جنبش تعاونی را در دنیا داشته است، لکن هنوز، غالباً مردان سرپرست خانوار اعضای تعاونیها را تشکیل می‌دهند. بنابه گزارش‌های رسیده، زنان عضو تعاونیهای خدمات اعتباری دهکده هستند و در بعضی از تعاونیهای لبنیات، عضویت زنان قابل ملاحظه است. تعداد تعاونیهای زنان در هند ۴۴۰۰ تعاونی با ۲۲۱۰۰۰ عضو است.

اندونزی:

در اندونزی، هدف اصلی، ایجاد سیستم جامع تعاونی خدمات روستایی شامل بیمه کشاورزی، تامین نهاده‌ها، اعتبارات تولیدی و غیره است. شرکت زنان در این گونه تعاونیها مورد غفلت قرار گرفته است.

مصر:

در مصر، عضویت تعاونیهای کشاورزی در انحصار مردان است. اگر چه هیچگونه منع قانونی برای پذیرفتن زنان وجود ندارد، لکن فرهنگ و آداب و رسوم، زنان را برای عضویت در تعاونیها تشویق نکرده است. غنا: در کشور غنا، هیچ تعاونی کشاورزی که اعضای آن زنان باشند وجود ندارد، اما بسیاری از تعاونیهای تولید مواد غذایی اعضای زن هم



مقدمه

شواهد موجود نشان می‌دهد که زنان روستایی طی قرنهای گذشته در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی از جمله در فعالیتهای تولیدی روستا نقش سازنده، موثر و محوری داشته و همچنین خانوار روستایی بر فعالیتهای تولیدی آنان متکی بوده است. با این حال وضعیت نامتناسب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زن روستایی، همیشه مانعی بازدارنده در راه استقلال مالی و شناخت واقعی او بوده است.^(۱)(۴-۵۲)

راستی! چرا زنان در تعاونیهای کشاورزی، شرکت گسترده و فعالی ندارند؟ چه علتی را می‌توان برای درصد کم مشارکت آنان در برخی از کشورها ذکر کرد؟ اصولاً چرا باید این دلایل را مورد بحث و بررسی قرار داد؟ دلیل اصلی این بررسی، مدنظر گرفتن نقش حیاتی است که زنان در فعالیتهای کشاورزی در

بسیاری از کشورها (بخصوص برخی از کشورهای در حال توسعه) ایفا می‌کنند. فواید بسیار ارزنده‌ای در افزایش مشارکت زنان در تعاونیهای موجود کشاورزی، و همچنین تشویق آنها برای تشکیل تعاونیهای کشاورزی جدید به منظور بهبود جنبه‌های مختلف کشاورزی وجود دارد و در این مقاله سعی شده است به بررسی این فواید و محاسن پرداخته شود. (۲-۲۱)

تعاونیهای زنان روستایی در کشورهای مختلف

دورنمای تعاونیهای زنان روستایی در کشورها و مناطق مختلف دنیا، براساس اطلاعات جمع‌آوری شده بوسیله سازمان جهانی خواروبار کشاورزی به شرح زیر می‌باشد: (فائو ۱۹۸۳):

کشورهای جنوب شرقی آسیا:

دارند. تعداد اعضای زن حدود یک سوم اعضای این تعاونیها است.

سنگال:

در سنگال، نوعی شبه تعاونی تحت عنوان گروههای تولیدکننده تشکیل شده است که یک سوم اعضای آنرا زنان تشکیل می‌دهند.

کوبا:

زنان در کشور کوبا برای شرکت در تعاونیها به نحو چشمگیری تشویق می‌شوند. در حال حاضر، ۳۵ درصد اعضای تعاونیهای روستایی در این کشور را زنان تشکیل می‌دهند.

فیلیپین:

در این کشور ایجاد یک شبکه حمایت تعاونی برای مشمولین اصلاحات ارضی مورد نظر است.

مالزی:

در این کشور زنان ترجیح می‌دهند تا تعاونیهای خاص خودشان را داشته باشند. (۱۲-۱۵-۱)

نگاهی به تعاونیهای زنان در ایران:

تاسیس تعاونیها در ایران به صورت امروزی از سال ۱۳۲۵ شروع شد. تعاونیهای روستایی، عمدتاً با شرکت کشاورزان و سازندگان صنایع دستی با حمایت بانک کشاورزی آغاز بکار نمود. تعداد تعاونیهای روستایی در سال ۱۹۹۲ بالغ بر ۳۱۰۲ شرکت تعاونی روستایی با عضویت متجاوز از ۴۳۶۷۰۰۰ نفر روستایی بود. با مشارکت شرکتهای تعاونی هر شهرستان، تعداد ۱۹۱ اتحادیه تعاونی روستایی فعالیت دارند. علاوه بر این تعداد ۱۱۹۲ شرکت تعاونی کشاورزی در زمینه‌های تخصصی دامداری و مرغداری و کشاورزی و غیره با عضویت بیش از ۶۰۰۰۰۰ نفر مشغول فعالیت هستند.

در حال حاضر آماری رسمی مبنی بر تعداد زنان عضو تعاونیها در ایران وجود ندارد و ذکر این نکته ضروری است که اگر چه ممانعتی قانونی برای شرکت زنان در تعاونیها موجود نیست، ولی با توجه به شرایط فرهنگی جوامع روستایی، شرکت زنان و مردان با هم در گروههای تعاونی در جلسات مقبول نمی‌باشد. (۳۸-۳۹-۵)

اهداف تشکیل تعاونیهای زنان روستایی

عضویت زنان روستایی در تعاونیهای اختصاصی برای زنان، نه تنها امکان برخورداری آنان را از خدمات ترویجی موردنیازشان فراهم خواهد ساخت، بلکه بوسیله آن می‌توانند نظرات خود را به نحو موثری به اطلاع مسئولین برسانند. زنان روستایی با استفاده از خدمات ارائه شده بوسیله تعاونیهای خود قادر خواهند بود شرایط محیط کار و کیفیت و کمیت محصولات تولیدی خود را بهبود بخشند.

به طور کلی اهداف تشکیل این تعاونیها عبارتند از:

- ۱- ایجاد مکان فعالیت به صورت دسته جمعی و مشارکتی.
 - ۲- برخورداری زنان روستایی از شخصیت حقوقی در قالب گروه.
 - ۳- تبادل نظر و همکاری زنان روستایی برای حل مسائل و مشکلات موجود.
 - ۴- دسترسی بیشتر زنان روستایی به اعتبارات، بازار و مراجع تصمیم‌گیری.
 - ۵- فراهم آوردن امکان ارائه آموزشهای موردنیاز و بالاخره ارج نهادن به کرامت انسانی زن در عرصه فعالیت‌های اجتماعی.
- (۳۸-۳۹-۵)

تشکیل تعاونیهای زنان روستایی به عنوان یک ضرورت:

نیل به اهداف توسعه روستایی بدون شناخت وضعیت موجود جامعه روستایی و گروههای موجود در آن ممکن نخواهد بود. در این، بین شناسایی آن گروه از افراد جامعه روستایی که در برنامه‌های روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، حائز اهمیت بیشتری است. به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران مسایل توسعه روستایی، زنان روستایی از گروههای موجود در جوامع روستایی هستند که بنا به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل توسعه روستایی واقع شده‌اند. عدم توجه به توانایی این گروه و مسائل و مشکلات آنان بدون تردید نتایج زیانباری خواهد داشت، چرا که زنان روستایی ما می‌توانند به عنوان یک عامل مهم در نیل به اهداف توسعه روستایی در تمام مقاطع زمانی مطرح باشند. بنابراین، در نخستین گام جهت هرگونه تلاش برای بهبود وضعیت زنان روستایی لازم است نقش آنان در تولید مورد شناسایی قرار گیرد. (۲۶-۲۹-۳)

خدماتی که می‌توان به زنان در قالب تعاونیهای کشاورزی و به عنوان اعضای آن ارائه داد عبارتند از:

الف - تعاونیهایی که بوسیله زنان در مناطق روستایی تشکیل می‌شوند. اغلب باعث بهتر شدن محصولات غذایی شده و در برخی موارد بر روی زمینهای مشترک باعث افزایش محصول و در نتیجه افزایش عرضه مواد غذایی در داخل کشور می‌گردد.

ب - تعاونیهای کشاورزی، به زنان کمک می‌کنند تا کیفیت و کمیت محصولات نسبی

خویش را بهتر کرده، در نتیجه، سبب افزایش عرضه شیر (خانگی) و دیگر محصولات لبنی می‌شوند و دسترسی عموم به آن بیشتر خواهد بود.

ج - گروههایی از زنان کشاورز که در تعاونیهای کشاورزی سازماندهی شده‌اند می‌توانند به آسانی در ارتباط با نیازهای شغلی در زمان طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه که ممکن است، فعالیت زنان کشاورز را متاثر کند، مورد مشورت قرار گیرند.

د - تاسیس تعاونیهای کشاورزی توزیع می‌تواند، در عرضه بذور و سموم مناسب در مقدار کم برای مزارع زنان مفید و موثر باشد.

ه - زنانی که تواناییهای خویش را در مدیریت و مهارهای سازمانی در تعاونیهای کشاورزی نشان می‌دهند، می‌توانند توسط تعلیمات و آموزشهایی برای رهبری ارتقاء پیدا کنند. بنابراین با افزایش تعداد زنان آموزش دیده و همچنین مردان آموزش دیده، خدمات بهتر و بیشتری به زنان کشاورز ارائه می‌شود.

و - با مهیا کردن امکاناتی برای زنان در مناطق روستایی برای بدست آوردن درآمد و با ایجاد محلی برای اجتماع و ملاقات زنان با یکدیگر، تعاونیهای کشاورزی می‌توانند عاملی برای کاهش مهاجرت به مناطق شهری. و در نتیجه جلوگیری از خالی از سکنه شدن مناطق روستایی گردند.

ز - تعاونیهای کشاورزی، تشکیلات مناسبی برای تهیه اعتبارات و کمکهای بازاریابی به زنان کشاورز که مایل به گسترش یا بهبود تولیدات کشاورزی خویش هستند می‌باشد.

ح - آموزش و تجربیات مهارتی می‌تواند، آسانتر در اختیار زنانی که در گروهها

سازماندهی شده‌اند قرار گیرد. (۵=۳۹-۳۸)
بررسی فواید شرکت گسترده زنان در تعاونیهای روستایی:

این فواید را می‌توان از سه جنبه مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد.

۱- فوایدی که این تعاونیها برای زنان به عنوان یک فرد و نیز به عنوان عضوی از خانواده روستایی دارد.

۲- فوایدی که وجود تعاونیهای کشاورزی دارد.

۳- فوایدی که این تعاونیها برای دولت ملی دارد.

لازم به ذکر است براساس شرایط مختلف محیطی (اقلیمی) که زنان روستایی در سراسر جهان در آن زندگی می‌کنند و همچنین با توجه به تفاوتهای فردی، این فواید متفاوت خواهد بود، فوایدی که مشارکت هر چه فعالانه زنان برای تعاونیهای موجود دارد، بستگی به نوع فعالیتی که انجام می‌دهند یا اهدافی که اعضای آن دنبال می‌کنند متفاوت می‌باشد.

۱- فواید وجود تعاونیها برای زنان به عنوان فرد و عضو خانواده روستایی:

اغلب چنین بیان می‌شود که زنان به تشخیص فواید یا مزیتهایی که هر نوع کار گروهی برای ایشان یا خانواده‌هایشان دارد، قبل از اینکه خود را درگیر یا مشغول هرگونه همکاری نمایند، احتیاج دارند. وقتی این فواید و مزایا به وضوح قابل تشخیص باشند، زنان به سرعت همکاری می‌کنند و در آن موفق خواهند بود. به طور یقین، مثالهای فراوانی را در نوشته‌ها و کتب می‌توان یافت که زنان معمولاً به تشکیل گروههای غیررسمی، چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای پیشرفته، به منظور رسیدن به یک هدف ویژه،

مبادرت می‌ورزند. به نظر می‌رسد اطلاعات بسیار گسترده‌تری در ارتباط با فواید شرکت زنان در گروههای سازماندهی شده رسمی منتشر شده است و در اختیار زنان قرار دارد. در این مورد می‌توان شرکت در تعاونیهای کشاورزی موجود و تاسیس شرکتهای جدید تعاونی را که به وسیله خود زنان کشاورز تشکیل شده‌اند متذکر شد. برخی از این فواید در ذیل ذکر شده است:

الف - ایجاد موقعیتی برای کسب درآمد: برای مثال، سهم شدن در عوامل تولید یا کشت مشترک در زمین.

ب - افزایش درآمد: مذاکره برای قیمت بهتر و افزایش گسترده‌تر محصولات و دسترسی آسانتر به محصولات اصلاح شده کشاورزی، سبب بالارفتن مقدار محصول می‌گردد (تعاونیهای مصرف).

ج - کاهش هزینه‌های حمل و نقل

د - کاهش قیمت خرید وسایل موردنیاز

ه - دریافت وام و اعتبارات

ز - یادگیری مهارت از متخصصین کشاورزی

ح - مشارکت در تصمیم‌گیریها

ط - ایجاد موقعیت اجتماعی و کاهش تنهایی

۲- فواید وجود تعاونیهای کشاورزی:

فوایدی که وجود تعاونیهای کشاورزی برای زنانی که از خانواده‌های کشاورز هستند، دارد، این است که افزایش عضویت زنان و همچنین مشارکت زنان عضو سبب شرکت فعالانه آنها در مسایل اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. البته این موارد براساس فعالیتها و خدمات ویره تعاونیها متفاوت است.

۳- فواید تعاونیها برای دولت ملی:

برای بسیاری از دولتهای ملی، یکی از مهمترین فوائد شرکت زنان در گروههای سازمان داده شده، این است که هزینه ارائه خدمات به زنان در گروه، بسیار کمتر از این هزینهها برای ارائه خدمات به زنان به صورت انفرادی است. (۲-۲۱-۱۸)

محدودیتهای تعاونیهای زنان روستایی از زبان صاحب نظران:

بسیاری از تعاونیها به دلیل عدم توجه به افراد واقعاً نیازمند جامعه خود نبودهاند. بعضی دیگر به دلیل عدم مدیریت و گاهی دخالتهای بی مورد مراجع نامربوط شکست خوردهاند، گاهی الگوی کاری کلیشه‌ای و یا مشکلات مربوط به سیستم بانکی موجب عدم موفقیت تعاونیها شده است. تعاونیهایی که توجه کافی به سنتها و ارزشهای جوامع خود مبذول نداشته‌اند به مشکلات عدیده‌ای برخورد کرده‌اند (اکوکو ۱۹۹۱).

یکی از انتقادات وارده بر تعاونیها، نفوذ غیرعادی برورکرسی و احاطه تعاونی به وسیله چند تن از منتفدین محلی می‌باشد. این مسئله تعاونی را از خدمت به نیازمندان واقعی جامعه روستایی که غالباً از نفوذی برخوردار نیستند، بازمی‌دارد (فانو ۱۹۸۳).

تعاونیها نباید به عنوان بخشی از ماشین دولت و یا فعالیتی دولتی تلقی گردند. تعاونیها ممکن است قادر به ایجاد فرصتهای کاری برای زنان عضو و یا افزایش توانایی کسب درآمد آنان و یا ایجاد تسهیلات تعلیم و تربیتی و اجتماعی برای زنان باشند. لکن این مسئله بدان معنی نیست که مقوله وسیع اشتغال، تعلیم و تربیت و تامین اجتماعی از وظایف تعاونیها تلقی گردد.

در خاتمه باید به این نکته توجه شود که

تعاونیها نوشداروی تمام دردهای زنان روستایی نخواهند بود، لکن چنانچه با دقت و توجه کافی ایجاد و اداره شوند، می‌توانند تاثیر مطلوبی بر زندگی اعضای خود داشته باشند. (۱-۱۵-۱۲)

مشکلات زنان برای شرکت در تعاونیها:

سهم عمده زنان روستایی در تولید زراعی، باغی، دامداری، صنایع دستی و تبدیلی و بیشتر بودن کار هفتگی زنان نسبت به مردان با احتساب کارهای خانه‌داری بیانگر این واقعیت است که آنان مستحق هستند از خدمات ترویجی و آموزشی در خصوص حرفه خود بهره گیرند و سطح آگاهیها و تواناییهای خود را ارتقاء بخشند. اما برنامه‌های اجرا شده در سطحی محدود بوده که عموماً زنان روستایی در آن مشارکت کمتری داشته‌اند.

دلایل این امر مختلف است که به برخی از این دلایل اشاره می‌کنیم:

۱- جو فرهنگی موجود در روستا که به زنان اجازه حضور در محافل مردانه را نمی‌دهد.

۲- نامناسب بودن زمان، مکان و محتوای برنامه و مشغله.

۳- طرح‌ریزی برنامه‌های ترویجی در مرکز بدون توجه به نظرات افراد در رده‌های پایین اجرایی (خصوصاً در کشورهای جهان سوم)

۴- عدم وجود کارشناسان برنامه‌ریز زن

۵- دسترسی کمتر به اعتبارات و تسهیلات اعطایی از سوی بانکها و سایر موسسات مالی نسبت به مردان (۴-۵۳-۵۲).

پیشنهادات:

در جهت رفع مشکلات و محدودیتهای

مربوط به تعاونیها، اقدامات زیر لازم است:

۱- طرح برنامه‌های تعاونیها باید با توجه به نیازها و مشکلات افراد و جامعه صورت گیرد.

۲- در طرح و اجرای برنامه‌ها از خود افراد تحت پوشش (روستاییان) می‌توان کمک گرفت.

۳- تعاونیها تا آنجا که ممکن است جمعیت بیشتری را تحت پوشش قرار دهند.

۴- مدیران عامل شرکتهای تعاونی باید تحت تعلیم و آموزش قرار گیرند.

۵- در طرح و اجرای برنامه‌های مربوطه به تعاونیهای زنان، حتی‌الامکان از کارشناسان برنامه‌ریز زن کمک گرفته شود.

۶- بانکها و سایر موسسات دولتی باید در اعطای تسهیلات و اعتبارات با شرکتهای تعاونی همکاری لازم را داشته باشند.

۷- مدیران عامل شرکتهای تعاونی و سایر دست‌اندرکاران باید انگیزش شرکت در تعاونیها را چه در زنان و چه در مردان ایجاد و تقویت کنند.

۸- با توجه به اینکه بی‌سوادی عامل مهمی در عدم شرکت زنان و مردان در تعاونیهاست، در این زمینه اقدامات لازم باید صورت گیرد.

فهرست منابع:

۱- معروفی، پروین، «تعاونیهای زنان روستایی»، زیتون، شماره ۱۱۲، اسفند ۷۱ و فروردین ۷۲.

۲- جعفرزاده‌پور، فروزنده، «فوائد شرکت گسترده زنان در تعاونیهای روستایی»، جهاد، سال پانزدهم، آذرودی ۱۳۷۴، شماره ۱۸۱-۱۸۰.

۳- فعالی، مهناز، «تشکیل تعاونیهای زنان روستایی به عنوان یک ضرورت»، زیتون، شماره ۱۲۲، مهر و آبان ۱۳۷۳.

۴- «آموزش مدیران عامل شرکتهای تعاونی روستایی زنان اقدامی در خور و بایسته»، زیتون، شماره ۱۲۶، تیر تا دیماه ۱۳۷۴.

۵- «حضور زنان روستایی در تشکلهای اقتصادی روستا»، صالحین روستا، شماره ۱۰۵، سال سیزدهم، مهر ۷۳.